

پژوهش نامه نقد وهابیت؛ سراج منیر ♦ سال پنجم ♦ شماره ۲۰ ♦ زمستان ۱۳۹۴
صفحات: ۹۱-۱۰۸ ♦ تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۴/۱۷ ♦ تاریخ تأیید: ۱۳۹۴/۱۰/۲۲



ارزیابی دیدگاه ابن تیمیه در بحث حسن و قبح

سید ابوالفضل حسینی پور*

چکیده

حسن و قبح عقلی از موضوعات بحث برانگیز در محافل علمی مسلمانان بوده است. معتزله حسن و قبح را عقلی و اشاعره آن را شرعی می دانسته اند. ابن تیمیه، متفکر اصلی سلفیت، کوشیده است هر دو مکتب را نقد، و دیدگاه جدیدی عرضه کند. وی حسن و قبح را عقلی دانسته، اما تأکید کرده است که روش معتزله را در این بحث قبول ندارد، چراکه منجر به تشبیه خدا به بندگان می شود. از طرف دیگر، ضمن رد حسن و قبح شرعی، آن را مخالف عقل و نقل می داند. هرچند ابن تیمیه حسن و قبح را عقلی می داند ولی برخی لوازم آن، مانند ذاتی بودنش، را نمی پذیرد. در مجموع، برخی از دیدگاه های ابن تیمیه قوت هایی دارد و برخی از آنها هم ضعف های جدی دارد که در این مقاله بررسی شده است.

کلیدواژه ها: حسن و قبح عقلی، حسن و قبح شرعی، ابن تیمیه، معتزله، اشاعره.

مقدمه

حسن و قبح همواره از مباحث مهم و بنیادین در جوامع علمی بوده است. این بحث زیرپایه بسیاری از دیگر مباحث اعتقادی همچون وجوب شناخت خدا، اثبات عدالت و حکمت خداوند، وجوب لطف خداوند، وجوب تکلیف و نیکوبودن بعثت انبیا و یکسانی اخلاق در همه انسان‌ها است.^۱

پیشینه مطرح‌شدن بحث حسن و قبح در جهان اسلام به همان سده‌های نخستین برمی‌گردد.^۲ اما مطرح‌شدن آن به صورت جدی به نزاع ابوالحسن اشعری با استاد خود ابوعلی جبایی در بحث حسن و قبح برمی‌گردد. در این نزاع، ابوالحسن اشعری استاد خود را محکوم کرد و همین باعث شد از مکتب معتزله کنار بکشد و مکتب جدیدی را تأسیس کند.^۳ از آن به بعد بود که حسن و قبح با دو رویکرد عمده عقلی معتزلی و شرعی اشعری مطرح شد و تاکنون نیز این دو رویکرد وجود دارد. در این بین ابن تیمیه کوشیده است نظر سومی را مطرح، و با رویکردی جدید، این بحث را عرضه کند.

بحث حسن و قبح ریزموضوع‌های مختلفی دارد، از جمله: معانی حسن و قبح، ملاک حسن و قبح، ذاتی و عرضی‌بودن حسن و قبح، جایگاه معرفتی حسن و قبح و مترتب‌شدن یا نشدن ثواب و عقاب بر حسن و قبح. تبیین نظر ابن تیمیه در این بحث‌ها از این جهت مهم است که امروزه ریاست معنوی و فکری سلفی‌ها بر دوش ابن تیمیه است. لذا برای شناخت و نقد سلفی‌ها، باید ابتدا مبانی فکری ابن تیمیه را شناخت. در این نوشتار کوشیده‌ایم ضمن تبیین دیدگاه ابن تیمیه، قوت‌ها و ضعف‌های سخنان وی را نیز بکاویم.

۱. سبحانی، جعفر، الالهیات، ج ۱، ص ۲۵۷. مثلاً کاربرد این بحث در اخلاق بدین گونه است که آیا پیش از آنکه خدای متعال چیزی را نیکو یا زشت بشمرد، می‌توان به حسن و قبح آن چیز رأی داد یا حسن و قبح اشیا را فقط خداوند تعیین می‌کند.

۲. ربانی گلپایگانی، علی، القواعد الکلامیه، ص ۱۹.

۳. شهرستانی، عبدالکریم، الملل والنحل، ج ۱، ص ۴۴.

۱. معناشناسی حسن و قبح

«حُسْن» در لغت به معنای زیبایی است که نفس انسانی به آن تمایل پیدا می‌کند.^۱ «قُبْح» نقیض حسن است^۲ و در لغت یعنی آنچه چشم از دیدن آن خوشش نمی‌آید.^۳ اما در معنای اصطلاحی حسن و قبح، معانی متعددی ذکر شده است. عده‌ای سه معنا^۴ و عده‌ای هفت معنا^۵ ذکر کرده‌اند. اما مشهور محققان سه معنا را بیان کرده‌اند:

۱. **صفت کمال و نقص:** مثلاً علم حسن است و جهل قبیح و به ترتیب برای صاحبانشان کمال و نقص هستند.

۲. **مالئمت و منافرت:** آنچه موافق هدف شخص است حسن است و آنچه مخالف هدف شخص است قبیح. مانند «کشتن زید» که چون مناسب هدف دشمنان وی است، حَسَن است و برعکس از آن جهت که ناسازگار با هدف دوستان وی است، قبیح است.

۳. **فعل سبب مدح و ذم:** استحقاق مدح و ذم برای فاعل فعل از نظر عقلاً؛ مانند اینکه بگوییم عدل حسن است؛ و منظور این است که انجام‌دهنده عدل، استحقاق مدح دارد و وقتی می‌گوییم ظلم قبیح است، منظور این است که ظالم، مستحق ذم و سرزنش است.^۶

تقریباً بین محققان اختلافی نیست که دو معنای اول، عقلی است و محل نزاع در معنای سوم است. یعنی فعلی که فاعل آن مستحق مدح و ذم است. توضیح محل نزاع این است که اگر نیکو و زشت بودن افعال مانند عدل و ظلم را به تشخیص عقل بدانیم و بگوییم حتی اگر شریعت هم نبود عقل می‌توانست این را تشخیص دهد، حسن و قبح

۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، ص ۲۳۵.

۲. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ج ۱۳، ۱۱۴.

۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، ص ۶۵۱.

۴. فخر الدین رازی، محمد بن عمر، الأربعین فی اصول الدین، ج ۱، ص ۳۴۶.

۵. آهنگران، محمدرسول، «بازخوانی محل نزاع اشاعره و عدلیه درباره حسن و قبح عقلی»، در: اندیشه نوین دینی، س ۴،

ش ۱۵، ۱۳۸۷، ص ۱۶۰.

۶. نک.: فخر الدین رازی، محمد بن عمر، الأربعین فی اصول الدین، ج ۱، ص ۳۴۶.

عقلی است، که این نظر معتزله است. اما اگر برعکس بگوییم عقل قدرت تشخیص نیک و زشت بودن افعال را ندارد و شریعت است که آنها را بیان می‌کند، حسن و قبح را شرعی دانسته‌ایم، که این نظر اشاعره است.

دیدگاه ابن تیمیه در معناشناسی حسن و قبح

ابن تیمیه در معانی اصطلاحی حسن و قبح مانند مشهور محل نزاع را در سبب مدح و ذم می‌داند.^۱ اما وی سه معنای ذکرشده برای حسن و قبح را نمی‌پذیرد و می‌کوشد این تقسیم‌بندی را تصحیح کند. نظر ابن تیمیه این است که معنای دوم حسن و قبح، یعنی «ملائمت و منافرت»، به قدری کلی است که شامل دو معنای دیگر نیز می‌شود.^۲ لذا ذکر معنای اول، یعنی کمال و نقص، را لغو می‌داند و می‌گوید این معنا از آثار فلاسفه به آثار متکلمان راه پیدا کرده است. وی معتقد است هر آنچه باعث لذت می‌شود کمال است و هر آنچه باعث درد می‌شود نقص است. پس لذت و درد نوعی ملائمت و منافرت با نفس است.^۳ معنای سوم، یعنی سبب مدح و ذم، را نیز نوعی از ملائمت و منافرت با نفس می‌داند.^۴

۲. دیدگاه ابن تیمیه در حسن و قبح

ابن تیمیه مسئله حسن و قبح را از نزاع‌های مشهور بین مذاهب چهارگانه اهل سنت می‌داند.^۵ وی شرعی‌دانستن حسن و قبح را به طور کلی باطل می‌داند و حسن و قبح را عقلی؛ ولی تأکید می‌کند که به هیچ وجه نظر معتزله و هم‌نظران آنها، مانند شیعه،^۶ را در این باب قبول ندارد و اختلاف‌های جدی با آنها دارد.^۷ لذا از نظر ابن تیمیه، در باب حسن و

۱. ابن تیمیه، احمد بن عبد الحلیم، مجموع الفتاوی، ج ۸، ص ۳۰۹.

۲. همان.

۳. همان، ص ۳۱۰.

۴. همان، ص ۳۰۹.

۵. همان، ص ۴۲۸.

۶. ابن تیمیه، احمد بن عبد الحلیم، بیان تلبیس الجهمیه فی تأسیس بدعهم الکلامیه، ج ۸، ص ۴۴۶.

۷. همان، مجموع الفتاوی، ج ۸، ص ۴۲۸.

قبح سه دیدگاه مطرح است.^۱ وی دیدگاهش را نسبت به دو قول اشاعره و معتزله، قول وسط می‌داند^۲ و برای نشان دادن برتری دیدگاهش، حسن و قبح افعال را در سه قسم می‌گنجاند:

۱. افعالی که مشتمل بر مصلحت و مفسده هستند که اگر شارع هم بیان نکرده باشد عقل، حسن و قبح آنها را تشخیص می‌دهد؛ مانند حسن و قبح عدل و ظلم.
۲. افعالی که مستقیماً با امر و نهی خدا، حسن یا قبیح می‌شوند.
۳. افعالی که خداوند فقط به قصد امتحان اطاعت عبد به آنها امر می‌کند و خود فعل، مد نظر شارع نیست، مانند فرمان خداوند به حضرت ابراهیم علیه السلام برای ذبح حضرت اسماعیل علیه السلام.

به نظر ابن تیمیه، معتزله از دو قسم اخیر افعال غفلت کرده‌اند و حسن و قبح را در عقل محصور دانسته‌اند و نقشی برای شارع در حسن و قبح قائل نیستند. در مقابل، اشاعره نیز گمان کرده‌اند تمام اوامر شارع از قبیل قسم سوم (امتحان) است.^۳ در حالی که حسن و قبح افعال سه صورت دارد: گاه فقط از عقل فهمیده می‌شود و گاه فقط از شرع، و گاه نیز از هر دو فهمیده می‌شود.^۴ وی تفسیر خود از حسن و قبح را متعلق به اکثریت اهل سنت می‌داند^۵ و طرفداران این قول را ابوحنیفه و تمام حنفی‌ها، بیشتر مالکی‌ها و شافعی‌ها و حنبلی‌ها می‌داند.^۶ وی فرق اصلی اهل سنت با معتزله را در حسن و قبح عقلی در این می‌داند که اهل سنت با حسن و قبح عقلی، قدر را از افعال خدا نفی نمی‌کنند، بلکه هم حسن و قبح را عقلی می‌دانند و هم قدر را برای خدا ثابت می‌کنند.^۷

۱. همان، ص ۴۳۱.

۲. همان، ص ۳۱۰.

۳. همان، ۴۳۴-۴۳۶.

۴. ابن تیمیه، احمد بن عبد الحلیم، التدمریة، ص ۲۱۵-۲۱۶.

۵. همو، مجموع الفتاوی، ج ۸، ص ۴۳۱.

۶. همو، الرد علی المنطقیین، ص ۴۲۱-۴۲۲.

۷. همان، ص ۴۳۱.

توضیح سخنان ابن تیمیه درباره رابطه حسن و قبح و قدر و دیگر اختلاف‌هایش با معتزله در بخش‌های بعدی می‌آید.

ارزیابی

۱. عقلی‌دانستن حسن و قبح از نقاط قوت دیدگاه ابن تیمیه است.
۲. ابن تیمیه معتقد است معتزله حسن و قبح را منحصر در عقل می‌دانند به گونه‌ای که شارع نمی‌تواند فعلی را حسن و یا قبیح کند. این نسبت صحیح نیست، چراکه معتزله معتقد بودند عقل حسن و قبح برخی افعال را درک می‌کند و در برخی دیگر که عقل نمی‌فهمد باید به شرع رجوع کرد.^۱
۳. ابن تیمیه، معتزله و شیعه را در بحث حسن و قبح هم‌نظر می‌داند، در حالی که شیعه در برخی مباحث حسن و قبح با معتزله هم‌نظر نیست.

۳. نقدهای ابن تیمیه بر دیدگاه اشاعره

از آنجا که ابن تیمیه دیدگاه اشعری را به طور کلی رد می‌کند، قبل از مطرح کردن دیگر مباحث حسن و قبح ابتدا ادله او را در رد حسن و قبح شرعی می‌آوریم. ابن تیمیه قائلان به حسن و قبح شرعی را بسیاری از اصحاب شافعی، مالکی و حنبلی می‌داند.^۲ وی حسن و قبح شرعی را بدعتی می‌داند که اولین بار ابوالحسن اشعری مطرح کرد.^۳ همچنین معتقد است اینکه ابوالحسن اشعری قائل به حسن و قبح شرعی شده به دلیل مناظرات وی با معتزله مطابق با روش جهم بن صفوان بوده است.^۴ وی می‌گوید نفی‌کنندگان حسن و قبح عقلی هیچ دلیلی ندارند و ابوالحسن آمدی^۵ تمام دلیل‌های آنها را رد کرده است.^۶

۱. أبو حیان التوحیدی، علی بن محمد، البصائر والذخائر، ص ۱۴۸.

۲. ابن تیمیه، احمد بن عبد الحلیم، مجموع الفتاوی، ج ۸، ص ۴۲۸.

۳. همو، الرد علی المنطقیین، ص ۴۲۱.

۴. همان.

۵. متوفای ۶۳۱ ه. ق.؛ فیلسوف و متکلم شافعی‌مذهب.

۶. ابن تیمیه، احمد بن عبد الحلیم، الرد علی المنطقیین، ص ۴۲۱.

ابن تیمیه حسن و قبح شرعی را مخالف کتاب و سنت، اجماع سلف و فقها و عقل صریح می‌داند:^۱

الف. مخالف آیات و روایات

ابن تیمیه هرچند ادعا می‌کند روایات، مخالف حسن و قبح شرعی است ولی نمونه‌ای را ذکر نمی‌کند. اما چندین آیه در اثبات عقلی بودن حسن و قبح می‌آورد. مثلاً آیه: ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ﴾؛^۲ «بگو خدا به زشتی دستور نمی‌دهد» را به عنوان شاهد می‌آورد.^۳ منظور ابن تیمیه این است که مخاطب در این آیه مشرکان هستند. از آنجا که مشرکان اعمال زشت خود را به خدا نسبت می‌دادند خداوند فرمود امر به فحشا نمی‌کند. پس معلوم می‌شود که فحشا بودن چیزی برای همه حتی مشرکان نیز قابل فهم بوده است که خدا خود را از امر به آن منزّه دانسته است.

ابن تیمیه به آیات دیگر مشابه این آیه نیز اشاره می‌کند: ﴿أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ اجْتَرَوْا السَّيِّئَاتِ أَنْ نَجْعَلَهُمُ الْكَاذِبِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَوَاءٌ مَحْيَاهُمْ وَمَمَاتُهُمْ سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ﴾؛^۴ «بلکه پنداشته‌اند که ما با آنان همان گونه رفتار می‌کنیم که با اشخاص با ایمان و دارای اعمال صالح می‌کنیم و خیال کرده‌اند زندگی و مرگشان با آن افراد یکسان است و چه بد پنداری است که کرده‌اند». ﴿أَفَجَعَلَ الْمُسْلِمِينَ كَالْجَرِمِينَ مَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ﴾؛^۵ «آیا ما با مسلمانان چون مجرمان رفتار می‌کنیم؟». ﴿أَمْ نَجْعَلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَالْفُاسِدِينَ فِي الْأَرْضِ أَمْ نَجْعَلُ الْمُتَّقِينَ كَالْفُجَّارِ﴾؛^۶ «و یا پنداشتند که ما با آنهایی که ایمان آورده و عمل صالح کردند و آنهایی که در زمین فساد انگیزتند یکسان معامله می‌کنیم و یا متقین را مانند فجار قرار می‌دهیم».

۱. همو، مجموع الفتاوی، ج ۸، ص ۴۳۳.

۲. سوره اعراف (۷): آیه ۲۸.

۳. ابن تیمیه، احمد بن عبد الحلیم، مجموع الفتاوی، ج ۸، ص ۴۳۳.

۴. سوره جائیه (۴۵): آیه ۲۱.

۵. سوره قلم (۶۸): آیه ۳۵.

۶. سوره ص (۳۸): آیه ۲۸.

در این آیات دو دسته از انسان‌ها معرفی می‌شوند. دسته‌ای که کارهای نیک انجام می‌دهند و دسته دیگر که به دنبال کارهای زشت هستند. حال خدا قضاوت را به عهده عقل انسان‌ها گذاشته است که کدام را ترجیح می‌دهند. ابن تیمیه می‌گوید بنا بر قول منکران حسن و قبح عقلی بین این دو دسته در آیات مذکور، فرق و فضیلتی نیست و این خلاف نصوص و عقل است.^۱

ب. مخالف اجماع سلف و فقها

ابن تیمیه ادعا می‌کند حسن و قبح شرعی و لوازم آن مخالف قول سلف و علما است. وی معتقد است علمای اسلامی حسن و قبح شرعی را از بدعت‌های ابوالحسن اشعری دانسته‌اند. همچنین فقها گفته‌اند سلف و ائمه هیچ یک حسن و قبح عقلی را رد نکرده‌اند بلکه با سه قرینه می‌توان فهمید که سلف آنها با حسن و قبح شرعی مخالف بوده‌اند:

۱. برای احکام علت آورده‌اند.
۲. برای خدا در خلق امور، حکمت را ثابت کرده‌اند.
۳. بیان حسن و قبح در امر و نهی خدا که با عقل می‌توان فهمید.^۲

ج. مخالف عقل صریح

ابن تیمیه حسن و قبح شرعی و لوازم آن را مخالف عقل صریح می‌داند، ولی دلایل خود را بیان نمی‌کند؛^۳ البته می‌توان شواهد آن را از دیگر سخنان وی یافت. مثلاً اینکه شرعی دانستن حسن و قبح منجر به انکار حکمت و اسباب الهی می‌شود.^۴ همچنین، به نظر وی، شرعی دانستن حسن و قبح تالی فاسدهای فراوانی دارد که با عقل و نقل در تعارض‌اند:

۱. ابن تیمیه، احمد بن عبد الحلیم، مجموع الفتاوی، ج ۸، ص ۴۳۴.
 ۲. همو، الرد علی المنطقیین، ص ۴۲۱.
 ۳. همو، مجموع الفتاوی، ج ۸، ص ۴۳۳.
 ۴. همان، ص ۴۲۹.

۱. جایز است خدا امر به کفر و فسق و گناه، و نهی از ایمان و توحید کند.
۲. جایز است خدا گاه دارای لذت باشد و گاه دارای درد.
۳. جایز است خدا اوامر خود را نسخ کند.
۴. خیر و شر، نفع و ضرر و حسن و قبح امور اعتباری می‌شوند.
۵. فرقی بین مساوی قراردادن اطاعت‌کنندگان از خدا و گناهکاران یا برتری دادن دسته اول بر دسته دوم نیست.
۶. بی‌معنا شدن صفات رسول قبل و بعد از رسالت، چراکه طبق گفته اشاعره، تعلق رسالت به رسول مانند تعلق خطاب به افعال است که نیاز به صفتی نیست.^۱

ارزیابی

۱. اشکال‌های ابن تیمیه به اشاعره در نفی حکم و اسباب الهی صحیح است، چراکه نفی حکم و اسباب، منجر به جبر می‌شود.
۲. ابن تیمیه معتقد است معتزله حسن و قبح را منحصر در عقل می‌دانند به گونه‌ای که شارع نمی‌تواند فعلی را حسن و یا قبیح کند. این نسبت صحیح نیست، چراکه معتزله معتقد بودند عقل حسن و قبح برخی افعال را درک می‌کند و در برخی دیگر که عقل نمی‌فهمد باید به شرع رجوع کرد.^۲
۳. ادعای ابن تیمیه در اجماع فقها بر رد حسن و قبح شرعی با ادعای ابتدایی خود در پیروی بسیاری از اصحاب شافعی، مالکی و حنبلی^۳ در حسن و قبح شرعی ناسازگار است. به‌علاوه، عقاید اشعری از قرن ششم هجری، تفکر غالب در جهان اسلام بوده است،^۴ به طوری که مقریزی (متوفای ۸۴۵ ه.ق.) بعد از بیان عقاید اشاعره چنین می‌نویسد: «عقاید

۱. همان؛ منظور از آخری این است که رسالت، اکتسابی و بر اساس لیاقت و امتحان نباشد، بلکه خدادادی محض باشد که در این صورت هیچ ارزشی ندارد و فضیلت محسوب نمی‌شود.

۲. أبو حیان التوحیدی، علی بن محمد، البصائر والذخائر، ص ۱۴۸.

۳. ابن تیمیه، احمد بن عبد الحلیم، مجموع الفتاوی، ج ۸، ص ۴۲۸.

۴. ربانی گلپایگانی، علی، فرق و مذاهب کلامی، ص ۲۳۸.

اشعری در این زمان، اکثریت سرزمین‌های اسلامی را تشکیل می‌دهد و هر کس خلاف این عقاید را اظهار کند خونش ریخته می‌شود».^۱

۴. ابن تیمیه ادعا می‌کند که سلف، حسن و قبح شرعی را قبول نداشته‌اند، در حالی که به گفته ابن خلدون، اشعری عقیده سلف را در بحث حسن و قبح بیان کرده است.^۲

۴. ملاک حسن و قبح از دیدگاه ابن تیمیه

یکی از مباحث مهم در حسن و قبح عقلی، تعیین ملاک حسن و قبح است. بنا بر نظر مشهور، ملاک حسن و قبح عقلی، مصلحت و مفسده نوعیه است.^۳ عده‌ای دیگر ملاک را فطرت الهیه دانسته‌اند.^۴ برخی نیز کمال و نقص را ملاک دانسته‌اند.^۵ مشهور علمایی که قائل به حسن و قبح عقلی هستند، در ملاک حسن و قبح بین خدا و مخلوقان فرقی نمی‌گذارند و هر آنچه را در انسان نیکو می‌دانند، درباره خدا نیز نیکو می‌دانند.

اما ابن تیمیه ملاک حسن و قبح در خدا و انسان‌ها را جدا دانسته است. وی ملاک حسن و قبح عقلی را در خصوص بندگان، نفع و زیان دانسته و در خصوص خداوند سبحان، مطابقت افعال با صفات محبت، رضایت، سخط و فرح الهی که باید طبق شئون خدا تفسیر شود.^۶ وی مثالی در این باره می‌زند: اگر غلام انسانی کار قبیحی انجام دهد، آن انسان مانع کار قبیح می‌شود ولی خدا ممکن است به سبب مصلحتی، مانع کار قبیح نشود. پس ملاک حسن و قبح در خدا و انسان با هم فرق می‌کند و نمی‌توان با یک ملاک درباره خدا و انسان قضاوت کرد.^۷

۱. المقریزی، تقی الدین، المواعظ والاعتبار بذكر الخطط والآثار، ج ۴، ص ۱۹۵.

۲. ابن خلدون، عبد الرحمن بن محمد، تاریخ ابن خلدون، ج ۱، ص ۵۸۸.

۳. طوسی، نصیر الدین، شرح الاشارات، ج ۱، ص ۳۵۱.

۴. مطهری، مرتضی، نقدی بر مارکسیسم، ص ۲۰۷-۲۰۸.

۵. ربانی گلپایگانی، علی، القواعد الکلامیه، ص ۴۷.

۶. ابن تیمیه، احمد بن عبد الحلیم، الرد علی المنطقیین، ج ۱، ص ۴۲۲.

۷. همو، مجموع الفتاوی، ج ۸، ص ۴۳۲.

انگیزه اصلی وی از تفکیک ملاک حسن و قبح بین خدا و انسان، تشبیه نکردن خدا به مخلوقان است. وی معتقد است معتزله در بحث حسن و قبح خالق را به مخلوق تشبیه کرده‌اند. بدین صورت که آنها هر آنچه در خصوص مخلوقان نیکو بوده است به خدا نیز نسبت داده‌اند. وی تصریح می‌کند که تفکر تشبیه، ریشه در تفکرات یهود دارد^۱ و تشبیه‌کننده خداوند، عبادت‌کننده بت است.^۲

مجموع سخنان ابن تیمیه بیانگر این است که وی معتقد است اگر آنچه را از مخلوقان نیکو است در خصوص خدا نیز نیکو بدانیم منجر به دو امر باطل می‌شود:

الف. نفی قدر از خدا؛ بدین گونه که انسان‌ها بر خدا کارهایی مانند بعثت انبیا را واجب می‌کنند و این باعث تعیین حدود قدرت و محدودیت قدرت خدا می‌شود، در حالی که خدا قادر مطلق است. وی با تأکید می‌گوید: «فرق اساسی در حسن و قبح عقلی اهل سنت و معتزله در این است که اهل سنت با وجود قائل بودن به حسن و قبح عقلی، قدر را نیز در افعال الهی ثابت می‌کنند».^۳ شاه‌کلید اصلی ابن تیمیه برای نقد سخنان معتزله در حسن و قبح، تشبیه خدا به بندگان و نفی قدر از خدا است.

ب. نقص در صفات خدا؛ از این جهت که صفات انسان را همان گونه که درباره انسان‌ها است، برای خدا ثابت می‌کند.^۴

ارزیابی

۱. تفکیک ملاک حسن و قبح در خصوص خدا و انسان، نتیجه فقدان تصور دقیق ابن تیمیه از بحث حسن و قبح عقلی است؛ چراکه موضوع این بحث، فعلی است که از فاعل عاقل مختار، صادر می‌شود. مصداق آن فاعل مختار می‌تواند خدای باری تعالی به عنوان رئیس‌العقلا باشد یا انسان عاقل.^۵

۱. همان، ص ۴۳۵.

۲. همان، ص ۴۳۱.

۳. همان، ص ۴۳۱.

۴. همان، ص ۴۳۱.

۵. نک.: ربانی گلپایگانی، علی، القواعد الکلامیة، ص ۳۳.

۲. ابن تیمیه معتقد است وجوب کاری بر خدا منجر به نفی قدر و قدرت خدا می‌شود، در حالی که منظور معتزله از وجوب به معنای فقهی آن، یعنی طلب شیء، نیست؛ بلکه منظور، وجوب در اصطلاح متکلمان است. یعنی مقتضای صفات کمالیه خدا این است که خدا چنین کاری را انجام دهد.^۱ این نکته را نصیرالدین طوسی، که پیش از ابن تیمیه بوده، در جواب اشکال فخر رازی بیان کرده است.^۲

۳. البته اگر سخن ابن تیمیه از نقد قدر معتزله، ناظر به اعتقاد تفویض معتزله باشد، سخن صحیحی است؛ چراکه معتزله معتقدند اگر افعال انسان در قضا و قدر الهی باشد، خدا خود نیز خالق گناهان می‌شود. از همین رو گفته‌اند خدا انسان را مختار محض آفریده است و در افعال انسان هیچ نقشی ندارد.^۳ این سخن باطلی است که علمای شیعه نیز به تبعیت از آموزه‌های اهل بیت پیامبر^۴ این گونه سخنان معتزله را مردود شمرده‌اند و قدر الهی را برای افعال انسان ثابت دانسته‌اند.^۵

۵. حسن و قبح ذاتی و عرضی از دیدگاه ابن تیمیه

منظور از حسن و قبح ذاتی این است که فعلی جدای از امر شارع، در ذات خود حسن یا قبح داشته باشد. حسن و قبح عرضی نیز یعنی فعلی در ذات خود حسن و قبح نداشته باشد و از خارج، حسن و قبح بر آن عارض شود. معتزله که قائل به حسن و قبح عقلی بودند، حسن و قبح را ذاتی دانستند^۶ و اشاعره که قائل به حسن و قبح شرعی بودند،

۱. همان.

۲. طوسی، نصیر الدین، تلخیص المحصل، ص ۳۴۲.

۳. قاضی عبدالجبار، شرح الأصول الخمسة، ص ۲۱۸.

۴. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ الْخَلْقَ - فَعَلِمَ مَا هُمْ صَائِرُونَ إِلَيْهِ - وَ أَمَرَهُمْ وَ نَهَاَهُمْ فَمَا أَمَرَهُمْ بِهِ مِنْ شَيْءٍ فَقَدْ جَعَلَ لَهُمُ السَّبِيلَ إِلَى تَرْكِهِ وَ لَا يَكُونُونَ أَخَذِينَ وَ لَا تَارِكِينَ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ؛ کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ج ۱، ص ۳۸۴.

۵. ابن بابویه (صدوق)، محمد بن علی، إعتقادات الإمامية، ص ۳۴.

۶. شهرستانی، محمد بن عبد الكريم، الملل والنحل، ج ۱، ص ۵۶.

حسن و قبح را عرضی دانستند.^۱ در این بین، ابن تیمیه نظر جدیدی مطرح کرد. وی با اینکه قائل به حسن و قبح عقلی بود ولی حسن و قبح را ذاتی ندانست و معتقد بود: افعال، حسن و قبح ذاتی ندارند. زیرا بسیاری از افعال هستند که گاه حسن هستند و گاه قبیح؛ مانند اکل میته که هر دو حالت را می‌تواند داشته باشد. پس معلوم می‌شود حسن افعال، ذاتی نیستند؛ چراکه ذاتی همیشه همراه شیء است.^۲

ارزیابی

اینکه ابن تیمیه حسن و قبح ذاتی را قبول ندارد ولی حسن و قبح عقلی را قبول دارد، تناقض است؛ چراکه باید در فعل حسنی وجود داشته باشد تا عقل آن را بفهمد. اگر همراه فعل بوده ذاتی آن می‌شود و اگر جدای از فعل بوده و بعد آمده، عرضی است. این گونه سخن گفتن ابن تیمیه به نداشتن تصور دقیق برمی‌گردد. در حقیقت، چون ابن تیمیه دیده است بسیاری از مسائل به فراخور موقعیت‌های مختلف حسن و قبیح می‌شوند، حسن و قبح ذاتی را رد کرده است. در حالی که حسن و قبح در افعال دو گونه است:

۱. برخی افعال چنان‌اند که حسن و قبحشان هیچ‌گاه تغییر نمی‌کند، مانند عدل و ظلم.
۲. برخی افعال چنان‌اند که اگر مصلحت بالاتری نباشد، حسن یا قبیح‌اند، مانند دروغ گفتن که قبیح است اما مثلاً برای نجات جان پیامبر قبیح نیست.^۳

محل نزاع حسن و قبح در قسم اول است؛ یعنی حسن عدل و قبح ظلم. ابن تیمیه این تفکیک را انجام نداده و همین باعث شده است حسن و قبح ذاتی را انکار کند. جالب اینکه ابن قیم جوزی، که از مروجان تفکرات ابن تیمیه است، در رد قول اشاعره، که ذاتی بودن حسن و قبح را رد کرده‌اند، همین تناقض را بیان کرده و حسن و قبح را ذاتی دانسته است.^۴

۱. تقنازانی، سعد الدین، شرح المقاصد، ج ۴، ص ۲۸۲.

۲. ابن تیمیه، احمد بن عبد الحلیم، منهاج السنة، ج ۳، ص ۲۹؛ همو، الرد علی المنطقیین، ص ۴۲۲.

۳. نک: قاضی عبدالجبار، المغنی فی أبواب التوحید والعدل، ج ۱۶، ص ۸۷؛ البته قسمی دیگر نیز می‌توان تصور کرد و آن افعالی که به خودی خود انصافی به حسن و قبح ندارند، مانند زدن که مطابق انگیزه زدن، متصف به حسن و قبح می‌شود؛ فاضل مقداد، مقداد بن عبدالله، ارشاد الطالبین الی نهج المسترشدين، ص ۲۵۵.

۴. ابن قیم الجوزیه، شمس الدین، مفتاح دار السعادة، ج ۲، ص ۳۸۲.

۶. یقینی بودن حسن و قبح عقلی از دیدگاه ابن تیمیه

از دیگر اختلاف‌های ابن تیمیه با معتزله این است که آنها حسن و قبح را از یقینیات نگرفته‌اند بلکه فقط از مشهورات گرفته‌اند.^۱ ابن تیمیه می‌گوید نه تنها حسن و قبح از یقینیات است بلکه بزرگ‌ترین آنها است.^۲ وی معتقد است وقتی مردم می‌گویند عدل حسن است و ظلم قبیح، معنایش این است که عدل محبوب فطری است که لذت و شادی مطلوب برای انسان حاصل می‌کند. وی ضد همین مفاهیم را درباره قبیح به کار می‌برد و نتیجه می‌گیرد که این قضایا با علم فطری و تجربی برای مردم حاصل شده است. روشن است که مقصود ابن تیمیه از فطری بودن، یقینی بودن حسن و قبح است و مقصود از تجربی بودن، مشهور بودن حسن و قبح.^۳

ارزیابی

سخن ابن تیمیه در یقینی و مشهور بودن حسن و قبح، صحیح است و بسیاری دیگر نیز به این نکته تصریح کرده‌اند. فیاض لاهیجی در این باره می‌نویسد: «اعتبار مصلحت و مفسده در حسن و قبح، منافاتی ندارد که از مشهورات نیز باشد. چون یک قضیه می‌تواند از جهتی یقینی باشد و از جهت دیگر مقبول».^۴

۷. ثواب و عقاب

یکی از مباحثی که در بحث حسن و قبح عقلی مطرح می‌شود این است که: بر فرض نبود حکم شرع، آیا با حکم عقل، ثواب و عقاب ثابت می‌شود؟ اشاعره ثواب و عقاب را منوط به حکم شارع می‌دانند؛^۵ معتزله با حکم عقل ثواب و عقاب را ثابت می‌دانند. قاضی

۱. ابن تیمیه، احمد بن عبد الحلیم، مجموع الفتاوی، ج ۸، ص ۴۳۳؛ همو، الرد علی المنطقیین، ص ۴۲۲.

۲. همو، الرد علی المنطقیین، ص ۴۲۲.

۳. همان، ص ۴۲۳.

۴. فیاض لاهیجی، علی بن حسین، سرمایه ایمان، ص ۶۱؛ نکته در خور توجه اینکه لاهیجی مقبولات را می‌گوید نه مشهورات را، ولی از قرائن بحثش فهمیده می‌شود که شامل مشهورات نیز می‌شود.

۵. فخرالدین رازی، محمد بن عمر، المحصول، ج ۱، ص ۱۲۳.

عبدالجبّار معتزلی می‌گوید: «حتی اگر پیامبری نیامده بود، خدا می‌توانست مبنای ثواب و عقاب را مطابق فهم عقل قرار دهد، البته در احکامی که عقل حسن و قبح آنها را می‌فهمد».^۱ ابن تیمیه می‌گوید فهم مصلحت و مفسده امور به وسیله عقل به معنای امر شارع به آن فعل نیست^۲ و غایت افعال در آخرت را فقط باید از طریق شرع و بعثت انبیا فهمید.^۳ وی برای اثبات دیدگاه خود به آیاتی از قرآن استناد می‌کند که عذاب را در گرو ارسال پیامبران می‌داند. مانند این آیه: ﴿وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّىٰ نَبْعَثَ رَسُولًا﴾؛^۴ «ما قومی را عذاب نمی‌کنیم تا رسولی را به سوی آن قوم نفرستیم».^۵ وی تصریح می‌کند که ثواب و عقاب به منت و فضل خدا است نه اینکه انسان‌ها بر خدا واجب کنند.^۶ وی ترتب ثواب و عقاب طبق حسن و قبح عقلی را به غلات قائلان به حسن و قبح منسوب می‌کند.^۷

ارزیابی

منظور معتزله از ثواب و عقاب طبق حسن و قبح عقلی این است که مثلاً انجام‌دهنده کار نیک، مستحق مدح و لایق پاداش است. این استحقاق مدح و لیاقت، هنگامی که به خدا اضافه می‌شود یعنی ثواب.^۸ در حقیقت ثواب و عقاب، همان استحقاق مدح است با ادبیات الهی. ناگفته نماند بسیاری از علمای شیعه نیز با ترتب ثواب و عقاب مطابق با حسن و قبح مخالفت کرده‌اند.^۹

۱. قاضی عبدالجبّار، المغنی فی أبواب التوحید والعدل، ج ۱۶، ص ۸۷.

۲. ابن تیمیه، احمد بن عبد الحلیم، مجموع الفتاوی، ج ۸، ص ۴۳۴.

۳. همو، التدمیرة، ص ۲۱۵.

۴. سوره اسراء (۱۷): آیه ۱۵.

۵. ابن تیمیه، احمد بن عبد الحلیم، مجموع الفتاوی، ج ۸، ص ۴۳۱.

۶. همو، النبوات، ج ۱، ص ۳۳.

۷. همو، مجموع الفتاوی، ج ۸، ص ۴۳۵.

۸. فیاض لاهیجی، علی بن حسین، گوهر مراد، ص ۳۴۳.

۹. خوئی، ابوالقاسم، الهدایة فی علم الاصول، ج ۳، ص ۷۰.

نتیجه

ابن تیمیه دو دیدگاه مشهور در باب حسن و قبح را نقد می‌کند. وی معتقد است حسن و قبح عقلی معتزله به تشبیه خدا به بندگان می‌انجامد. از طرف دیگر، نظر اشاعره را به طور کلی رد می‌کند. زیرا معتقد است با نقل، عقل و دیدگاه سلف و علما مخالف است. با این اوصاف، وی می‌کوشد دیدگاهی را انتخاب کند که این اشکال‌ها را نداشته باشد. لذا حسن و قبح عقلی را می‌پذیرد که دربردارنده تشبیه خدا به مخلوقات نباشد. وی این دیدگاه را به عموم اهل سنت نسبت می‌دهد.

از دیگر جهات اختلاف ابن تیمیه با معتزله این است که وی ملاک حسن و قبح را بین خدا و انسان‌ها جدا می‌کند. زیرا خدا بسیاری از کارهای خود را بر اساس حکمت‌هایی انجام می‌دهد که ما از آنها بی‌خبریم. همچنین، حسن و قبح ذاتی را نمی‌پذیرد؛ چراکه بسیاری از افعال گاه حسن‌اند و گاه قبیح. وی حسن و قبح را از یقینیات می‌داند و می‌گوید لوازم حسن و قبح عقلی مانند وجوب علی الله و ثواب و عقاب را نمی‌پذیرد. البته نظرهای ابن تیمیه قوت‌ها و ضعف‌هایی دارد که در این نوشتار بررسی شده است. نکته در خور توجه اینکه وی در این مسئله که حسن و قبح را عقلی می‌داند و قدر الهی را ثابت می‌کند با شیعه هم‌نظر است.

به هر حال، بحث حسن و قبح با همه اهمیتش فقط یکی از جنبه‌های بحث عقل است. از آنجا که امروزه سلفیه و طرفداران ابن تیمیه از جریان‌های مهم فعال هستند لازم است دیدگاه ابن تیمیه در دیگر جنبه‌های عقل به دقت بررسی شود.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. آهنگران، محمدرَسُول، «بازخوانی محل نزاع اشاعره و عدلیه درباره حسن و قبح عقلی»، در: اندیشه نوین دینی، س ۴، ش ۱۵، ص ۱۵۳-۱۷۰، ۱۳۸۷.
۳. ابن بابویه (صدوق)، محمد بن علی، **إعتقادات الإمامية**، قم: نشر کنگره شیخ مفید، چاپ دوم، ۱۴۱۴ ق.
۴. ابن تیمیة الحرانی، أحمد بن عبد الحليم، **بيان تلبیس الجهمیة فی تأسيس بدعهم الكلامیة**، تحقیق: مجموعة من المحققين، بی جا: نشر مجمع الملك فهد، چاپ اول، ۱۴۲۶ ق.
۵. ابن تیمیة، احمد بن عبد الحليم، **التدمرية**، تحقیق: محمد بن عودة السعوی، ریاض: مكتبة العبيكان، چاپ سوم، ۱۴۲۱ ق.
۶. ابن تیمیة، احمد بن عبد الحليم، **الرد على المنطقيين**، بیروت: نشر دار المعرفة، بی تا.
۷. ابن تیمیة، احمد بن عبد الحليم، **النبوات**، تحقیق: عبد العزيز بن صالح الطویان، ریاض: نشر أضواء السلف، چاپ اول، ۱۴۲۰ ق.
۸. ابن تیمیة، احمد بن عبد الحليم، **مجموع الفتاوى**، تحقیق: عبد الرحمن بن محمد بن قاسم، مدينة نبوية: مجمع الملك فهد لطباعة المصحف الشريف، ۱۴۱۶ ق.
۹. ابن تیمیة، احمد بن عبد الحليم، **منهاج السنة النبوية فی نقض كلام الشيعة القدرية**، تحقیق: محمد رشاد سالم، بی جا: جامعة الإمام محمد بن سعود الإسلامية، چاپ اول، ۱۴۰۶ ق.
۱۰. ابن خلدون، **تاریخ ابن خلدون**، تحقیق: خليل شحادة، بیروت: دار الفكر، چاپ هشتم، ۱۴۰۸.
۱۱. ابن قیم الجوزية، شمس الدين، **مفتاح دار السعادة و منشور ولاية العلم والإرادة**، بیروت: دار الكتب العلمية، چاپ ششم، ۱۴۱۹ ق.
۱۲. ابن منظور، محمد بن مکرم، **لسان العرب**، تصحیح: جمال الدين میردامادی، بیروت: نشر دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع، چاپ سوم، ۱۴۱۴ ق.
۱۳. أبو حیان التوحیدی، علی بن محمد بن العباس، **البصائر والذخائر**، تحقیق: وداد القاضي، بیروت: دار صادر، چاپ چهارم، ۱۴۱۹ ق.
۱۴. تفتازانی، سعد الدين، **شرح المقاصد**، تحقیق: عبد الرحمن عمیره، قم: نشر الشريف الرضي، چاپ اول، ۱۴۰۹ ق.
۱۵. خویی، ابوالقاسم، **الهداية فی الأصول**، تحقیق: حسن صافی اصفهانی، قم: مؤسسه صاحب الامر (عج)، قم: چاپ اول، ۱۴۱۷ ق.
۱۶. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، **مفردات ألفاظ القرآن**، تصحیح: صفوان عدنان داوودی، بیروت-دمشق: نشر دار القلم-الدار الشامیة، چاپ اول، ۱۴۱۲ ق.
۱۷. ربانی گلیپگانی، علی، **القواعد الكلامیة**، قم: نشر مؤسسه امام الصادق علیه السلام، چاپ اول، ۱۴۱۸ ق.

۱۸. ربانی گلپایگانی، علی، **فرق و مذاهب کلامی**، قم: مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی، چاپ پنجم، ۱۳۸۹ ش.
۱۹. سبحانی، جعفر، **الالهیات**، قم: نشر مرکز العالمی للدراسات الاسلامیة، چاپ سوم، ۱۴۱۲ ق.
۲۰. شهرستانی، عبد الکریم، **الملل والنحل**، تحقیق: محمد بدران، قم: نشر الشریف الرضی، چاپ سوم، ۱۳۶۴ ش.
۲۱. طوسی، نصیر الدین، **تلخیص المحصل**، بیروت: نشر دار الاضواء، چاپ دوم، ۱۴۰۵ ق.
۲۲. طوسی، نصیر الدین، **شرح الاشارات والتنبیہات**، تحقیق: سلیمان دنیا، مصر: نشر دار المعارف، چاپ سوم، بی تا.
۲۳. فاضل مقداد، مقداد بن عبدالله، **ارشاد الطالبین الی نهج المسترشدين**، تحقیق: سید مهدی رجایی، قم: انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۵ ق.
۲۴. فخر الدین الرازی، محمد بن عمر، **المحصل**، تحقیق: طه جابر فیاض العلوانی، بی جا: نشر مؤسسة الرسالة، چاپ هشتم، ۱۴۱۸ ق.
۲۵. فخر الدین رازی، محمد بن عمر، **الاربعة فی اصول الدین**، قاهره: نشر مكتبة الكليات الازهریة، چاپ اول، ۱۹۸۶ م.
۲۶. فیاض لاهیجی، علی بن حسین، **سرمایه ایمان در اصول اعتقادات**، تصحیح: صادق لاریجانی، تهران: نشر انتشارات الزهراء، چاپ سوم، ۱۳۷۲ ش.
۲۷. فیاض لاهیجی، علی بن حسین، **گوهر مراد**، تهران: نشر سایه، چاپ اول، ۱۳۸۳ ش.
۲۸. قاضی عبد الجبار، **المغنی فی أبواب التوحید والعدل**، قاهره: الدار المصریة، ۱۹۶۵ ق.
۲۹. قاضی عبد الجبار، **شرح الاصول الخمسة**، تعلیق: احمد بن حسین ابی هاشم، بیروت: نشر دار احیاء التراث العربی، چاپ اول، ۱۴۲۲ ق.
۳۰. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، **کافی**، تصحیح: دار الحدیث، قم: نشر دار الحدیث، چاپ اول، ۱۴۲۹ ق.
۳۱. مطهری، مرتضی، **نقدی بر مارکسیسم**، قم: انتشارات صدرا، بی تا.
۳۲. المقریزی، تقی الدین، **المواعظ والاعتبار بذكر الخطط والآثار**، بیروت: دار الکتب العلمیة، چاپ اول، ۱۴۱۸ ق.